

نقش علم بیونیک در معماری ساختمان راه آهن

نعیمه هاشمی^۱، مهری دهبان^{۲*}

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس، ایران N.hashemi2212@gmail.com
۲- مربی گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس، ایران Dehbanmehri@yahoo.com

چکیده

ایستگاه راه آهن مکانی است که تمام مردم شهر به طور مستقیم یا غیرمستقیم با آن سروکار دارند و از نتایج آن بهره می‌برند. شهرهای امروزی به دلیل گستردگی و تغییر مفهوم ورودی شهرها نمی‌توانند واجد ورودی‌های کاملاً تعریف‌شده‌ای مانند شهرهای قدیمی باشند. لذا عناصر دیگر شهری مانند ترمینال‌ها و میدان‌ها شهری باید وظیفه دروازه‌ها-در معرفی شهر-را به عهده بگیرند. یکی از این بناها ایستگاه راه آهن است که هم باید پاسخگوی عملکرد خود باشد و هم بتواند به عنوان نماد و سمبلی برای شهر عمل کند. ایستگاه راه آهن نقطه آغازی برای مسافران و تازه‌واردها به شهر و عرضه مفاهیم در قالب کالبد می‌باشد و باعث حس تعلق شهروندان نیز هست. بیونیک، به معنای زیستارشناختی یا به کارگیری اندام‌های ساختگی طبیعت، اولین بار توسط دانشمند آمریکایی جک.ای.استیل در سال ۱۹۵۹ بکار برده شد.

واژه‌های کلیدی: ایستگاه، ایستگاه راه آهن، حمل و نقل، حمل و نقل ریلی، معماری بیونیک.

۱- مقدمه

اولین خاطرات ورود و آخرین خاطرات وداع در فضای ایستگاه صورت می‌گیرد و مسافران همواره این خاطره را به ذهن خواهند سپرد. گاهی یک ایستگاه شایسته سمبل مناسبی برای یک شهر می‌شود در نتیجه نباید فقط جنبه عملکردی ایستگاه را در نظر گرفت. مسافران فضای ایستگاه را به عنوان خاطرهای از شهر بوشهر در ذهن می‌سپارند لذا کیفیت‌های ادراک و القای فضای ایستگاه از اهمیت خاصی برخوردار است.

امروزه دیگر ترمینال‌ها بناهایی نیستند که صرفاً برای جوابگویی به جابجایی مسافران طراحی شوند بلکه به عنوان فضاهای سمبلیک مطرح هستند. فضاهایی که سمبل قرن حاضر می‌باشند و از طرف دیگر خود را به عنوان سردرهای ورودی شهرهای امروزی مطرح می‌کنند. فرم‌هایی نیز که برای آن‌ها انتخاب می‌شود به گونه ایست که اولاً به یادماندنی و سمبلیک باشد و ثانیاً خصوصیت حرکت در آن‌ها به نوعی نمود پیدا کرده باشد. در کنار این عوامل عملکرد ساختمان ایستگاه از لحاظ سیرکولاسیون آسودگی مسافران و عملکرد بهتر فضاها جنبه دیگر طراحی را تشکیل می‌دهند. معماری ترکیبی است از دانش و هنر و به همین دلیل است که معماری همیشه بین دو قطب تعقل و احساس در رفت و آمد است.

وظیفه معمار این است که به مدل ذهنی که بر اساس عملکرد (ایستگاه راه آهن) به وجود آمده فرم بدهد. یک اثر معماری فقط در صورتی ستودنی و با محتواست که طرحی اندیشیده و پسندیده داشته باشد. البته طرح معماری هم تابع ملاحظات عملکردی است و هم با معیارهای هنری سنجیده می‌شود. دومین نکته در رابطه با محتوا ساخت معماری (سازه) است. ممکن است تصور شود سازه فقط در عرصه عملکردی معماری قرار دارد اما به راستی چنین نیست و همه این عوامل در زیبایی هنری معماری نقشی مؤثر دارند و به معماری جاودانگی می‌بخشند. به همین خاطر و با توجه به عنوان پژوهش حاضر در این فصل از